

ولی خانه آنها که از نقشه تا ساخت یعنی از صفر تا صد زیر نظر جلال آل احمد بوده، حالا تبدیل به خانه موزه سیمین و جلال شده و درهای آن به روی علاقه‌مندان این زوج ادبیات ایران باز است. حتما می‌پرسید آدرسش کجاست؟ مقداری پایین‌تر از میدان قدس در خیابان دکتر شریعتی در یکی از کوچه‌پس‌کوچه‌های خیابان رفعت می‌توانید خانه سیمین و جلال را پیدا کنید. (گوگل هم می‌تواند کمکتان کند.)

داشتم از مهمانی برایتان می‌گفتم. اینجا خانه سیمین خانم است. با همه جزئیاتش. روزگاری اینجا دو تن از مهم‌ترین نویسندگان معاصر زیسته‌اند. حتی در ساخت و اجرای نقشه این ساختمان خودشان نقش داشته‌اند و خانه‌ای مطابق میل و سلیقه خود تدارک دیده‌اند. می‌گویند جلال خودش برای این خانه سنگ‌تراشی هم کرده و در نامه‌هایش به سیمین از جراحاتی که حین کار برداشته سخن گفته است. برای همین مهمانی رفتن به چنین خانه‌ای حتما می‌تواند اتفاق متفاوتی باشد. تصور کنید مثلا آقا جلال در همین خانه نشسته و شاهکارهایش را خلق کرده یا سیمین خانم «سووشون» را در اتاق‌های همین منزل به سرانجام رسانده و قبل از مرگ همسرش آن را به دست ناشر سپرده است. همه اینها برای کسی که عشق ادبیات و کتاب و داستان و خیالبافی باشد می‌تواند خوراک ساعت‌ها پرواز مرغ خیال به زندگی سیمین و جلال باشد. سیمینی که شدت عشقش به جلال را نمی‌توان تصور کرد و گوشه‌ای از این عشق را می‌توان در نامه‌هایی که از آمریکا برای جلال فرستاده درک کرد؛ حالا این دو مرغ عشق را در میان این در و پنجره‌ها و اتاق‌ها و دیوارها تصور کنید. خانه‌ای که جلال حتی برای پنجره‌هایش هم خودش نظر داده است. خانه‌ای با آجرهای بهمنی قرمز و حیاطی دل‌باز و بنایی در زمینی به مساحت حدود ۴۵۰ متر محیطی برای سرک کشیدن به خلوت دو نویسنده است. زوجی که شانزده سال با هم در این خانه زندگی کردند و مرگ به جلال فرصت نداد بیشتر در کنار سیمین، در خانه‌ای که خودش



امام موسی صدر،
آیت‌الله طالقانی و
بسیاری از چهره‌های
شاخص سال‌های
پیش و پس از انقلاب
در این خانه رفت و آمد
داشته‌اند و زیر سایه
مهر سیمین و جلال
دمی آسوده‌اند



به مناسبت روز میراث فرهنگی و موزه به خانه تاریخی سیمین خانم
و آقا جلال و چند خانه موزه متعلق به اهل قلم سرزده‌ایم

آشیانه ادبیات

آقا جلال بود؛ بله جلال آل احمد. حتما حالا می‌خواهید بگویید برویم مهمانی خانه سیمین دانشور و جلال آل احمد؟ بله برویم خانه آنها! می‌دانم زنده نیستند (البته باید گفت نویسنده و شاعر همین که اثری از خود به یادگار بگذارد می‌تواند مرگ خود را عقب اندازد هرچند جسمش در این کره خاکی نباشد، ولی روح تفکرش در جهان جریان دارد و بسیاری را به خویش دعوت می‌کند)

حوالی خیابان شریعتی است، اگر به نیت زیارت امامزاده صالح سمت تجریش گذرستان افتاد می‌توانید مهمان سیمین خانم شوید. منظورم سیمین دانشور است. بله همان سیمین دانشوری که برای ما «سووشون»، «جزیره سرگردانی» و... را نوشته، همان سیمینی که همسر

حسام آبنوس

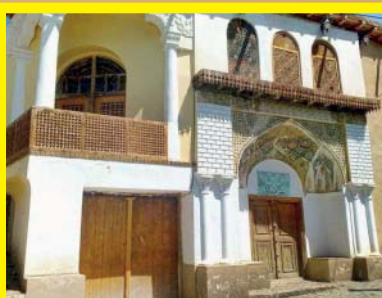
روزنامه‌نگار

گردشگری ادبیات

احداث خانه‌موزه‌ها و نگهداری از آنها یکی از راه‌های معرفی و شناساندن مشاهیر و چهره‌های ماندگار فرهنگ و علوم در هر اجتماعی است. برای مثال خانه موزه گوته در آلمان یا پوشکین در روسیه از جمله منازل هستند که تبدیل به مکان‌هایی برای گردشگران داخلی و خارجی شده است. اقدامی که شهرداری‌ها در کشورهای مختلف و حتی دولت‌ها متولی آن هستند. حتی حفظ بافت سنتی پیرامون آن خانه از اقداماتی است که برای حفظ موقعیت آن خانه صورت می‌گیرد تا یک اثر تاریخی کارکرد خود را در بافت شهری بیشتر نشان دهد. خانه‌موزه‌هایی که علاوه بر درآمدزایی در واقع بخشی از پیشینه فرهنگی و اجتماعی یک شهر یا کشور را در خود نگه داشته‌اند و ابزاری برای انتقال فرهنگ به نسل‌های آینده خود هستند.

خانه پدر شعر نو

در ایران علاوه بر خانه‌موزه جلال که گذری بر آن کردیم خانه‌موزه نیما یوشیج در یوش هم وجود دارد. خانه‌ای که در واقع خانه پدری نیما در شهرستان یوش استان مازندران است و امروز مزار نیما یوشیج و سپروس طاهباز در آن واقع شده است. خانه‌ای



به سبک خانه‌های دوره قاجار که نیما روزگاری قبل از مراجعه به تهران و سال‌های جوانی را در آن گذرانده است، هرچند روح متلاطم نیما همان‌طور که از نامه‌هایش بر می‌آید در جنگل و کوه و دریا بیشتر آرام می‌گرفته، اما این خانه روزگاری محل رفت و آمد پدر شعر نو فارسی بوده و حالا تبدیل به خانه‌موزه‌ای برای معرفی و شناساندن این چهره مهم در تاریخ شعر فارسی شده است. لوازم شخصی مانند عینک، لباس، قلم و حتی چپق و کتاب‌ها در این موزه نگهداری می‌شود. هرچند حال و روز این موزه چندان خوب نیست، ولی به هر روی محیطی است که در صورت رسیدگی درست می‌تواند تبدیل به محیطی برای علاقه‌مندان به سفر و ادبیات شود و البته اهالی روستای پدری نیما را نیز از حیث اقتصادی حمایت کند. این در حالی است که خانه نیما در تهران که نزدیک خانه سیمین و جلال است در آستانه تخریب است و مدتی است میان شهرداری و مالک و بخش‌های فرهنگی درگیری وجود دارد تا بتوانند این محیط را نیز مانند خانه موزه سیمین و جلال تبدیل به محلی برای نگهداشت یاد و خاطره نیما یوشیج (علی اسفندیاری) کنند.

جایی که برادران کارامازوف خلا

باورکردنش راحت نیست در خانه‌ای قدم بپوش که یکی ادبیات داستانی جهان در آن خلق شده است. «برادر به اعتقاد بسیاری مهم‌ترین اثر داستانیفسکی است این نویسنده بزرگ در سن پترزبورگ واقع شده که روسیه بوده و این نویسنده در آن از دنیا رفته و به شهرت جهانی رسید. خانه‌ای که جزئیات بسیاری تماشاگری را می‌تواند به خود جلب کند از کلاه نویسنده غذاهای مورد علاقه خالق «شب‌های روشن»! خانه‌ای منحصر به فردی دارد و به خصوص برای علاقه‌مندان طور ویژه طرفداران به آقای داستایفسکی می‌تواند و فراموش نشدنی باشد.

